

واکاوی الگوهای توانش ارتباطی دل‌هایمز در گفتمان اجتماعی

نهج البلاغه (مطالعه موردی: خطبه‌های نهج البلاغه)

نوع مقاله: پژوهشی

علی صیادانی*، یزدان حیدرپور مرند^۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
 ۲. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

چکیده

از مباحث نوینی که در تحلیل گفتمان ارائه شده است، رویکرد جامعه‌شناختی دل‌هایمز است که برخاسته از توانش ارتباطی است. بحث حاضر در گام اول اشاره به ارتباط توانش زبانی با توانش ارتباطی دارد که زبان کارکرد حقیقی خود را ایفا می‌کند. در مرحله دوم اشاره به بافت برون‌زبانی دارد که عامل کنش در آن تأثیر می‌گذارد. این مسئله نمود واقعی از پیوند صورت زبانی ویژه با بافت اجتماعی حاکم در گفتار است و بسامد و احتمال وقوع آن در شرایط موجود مشخص می‌شود. از نظر هایمز رویدادهای زبانی تنها به صورت‌های دستوری زبان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در قالب تعامل‌های اجتماعی و قراردادهای اجتماعی و فرهنگی معنا می‌یابند و سازنده شاکله‌های توصیفی توانش ارتباطی هستند. دو مقوله کلی استدلال‌های ساختاری و آوایی ازجمله مؤلفه‌های اساسی این مبحث است. بسترهای زمانی- مکانی، نوع بیان گفتار و عناصر زبانی نیز در شکل‌گیری این دو مقوله تأثیرگذار است. پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی درصدد تطبیق ویژگی‌های رویکرد مزبور با گفتمان اجتماعی خطبه‌های نهج البلاغه است. نتایج نشان می‌دهد که عوامل زبانی مزبور، نوع و محتوای گفتار حاکم در بافت برون‌زبانی نهج البلاغه را نشان داده و در روند تشخیص تعامل‌های ارتباطی حاکم بر متن مؤثر هستند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان اجتماعی، الگوهای توانش ارتباطی، دل‌هایمز، خطبه‌های نهج البلاغه.

۱- مقدمه

از رویکردهای مؤثر در تحلیل گفتمان، آراء دل هایمز^۱ است. مشخصه اصلی آراء وی (۱۹۷۲) بر توجه به جامعه‌شناسی^۲ زبان استوار است. در تعریف اولیه جامعه‌شناسی زبانی باید گفت که زبان‌شناس به «کیفیت ارتباط زبان با جامعه فرهنگی خویش توجه دارد. در این راستا وی می‌کوشد تا تغییراتی که ساختار زبان در پاسخ به کارکردهای مختلف اجتماعی زبان داشته و نیز در این مسیر توسعه یافته، مورد تحلیل قرار دهد» (الطائي، ۱۳۰۲: ۱۹). این همان چیزی است که هایمز از آن به عنوان توانش ارتباطی یا برون داد زبانی یاد می‌کند. هایمز در توضیح اولیه توانش ارتباطی، این مفهوم را دانش زبان و کاربرد آن در بافت‌های ارتباطی مطرح می‌کند. مطابق این اصل عاملان و مشارکان زبان برای برقراری ارتباط مؤثر باید به شناخت و تسلط لازم از زبان برسند. این شناخت و توانایی، مجموعه‌ای از دانش و اطلاعات مؤثر درباره ساخت‌های دستوری، همگونی و همخوانی ساخت‌ها با بافت‌های زبانی را به عامل زبانی ارائه می‌دهد. در مطالعات سلس مورسیا^۳ این دانش و همخوانی از اهمیت خاصی برخوردار است. چراکه «عواملی چون تسلط و نیاز عاملان گفتار به استفاده از زبان، نقش اساسی را در توجه آن‌ها، دستور زبان ایفا می‌کند» (کاستین، ۱۹۸۸: ۲۸۱). از نظر هایمز هدف از ارائه چنین رویکردی «برده برداشتن از رابطه میان زبان و حیات اجتماعی و تأثیر این حیات بر پدیده‌های گوناگون زبانی است» (رحیم‌العزازی، ۱۳۹۴: ۴۱). اهمیت این بررسی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در تعامل‌های اجتماعی میان عاملان گفتار، فرهنگ و به مثابه آن عوامل اجتماعی در کسب مهارت‌های زبانی انتقال می‌یابد.

در این زمینه نظریه کنیل و سوین^۴ (۱۹۸۰) نیز قابل بحث است. کنیل و سوین معتقدند که توانش ارتباطی از چهار بعد تشکیل یافته است. توانش دستوری که اشاره به مهارت عامل گفتار در درک مباحث صرف و نحو دارد. توانش زبان‌شناسی اجتماعی که در آن عامل گفتمان به توانایی لازم در درک مباحث اجتماعی و رفتاری از جمله نوع گفتمان و نوع رفتار می‌رسد. بعد سوم اشاره به توانش تجزیه و تحلیل زبان دارد. در این باب توانایی عامل گفتمان در ترکیب اندیشه‌ها و نوشتارهای گوناگون برای دستیابی به پیوستگی فکری و کلامی سنجیده می‌شود. در گام آخر توانش راهبردی نمود می‌یابد که در آن توانایی مدیریت رفتار از سوی عامل گفتمانی نشان داده می‌شود که حالات چهره و کلام او در موقعیت‌های متفاوت نمود واقعی از آن است.

در بحث بعدی آنچه مهم به نظر می‌رسد نقش توانش فرهنگی است. با وجود این مؤلفه به عنوان مکمل توانش‌های مزبور، مخاطب زبان می‌تواند در جامعه زبان مقصد علاوه بر تسلط زبانی به فرهنگ آن جامعه نیز مسلط باشد.

در این جستار پژوهشگران با در نظر گرفتن ویژگی‌های رویکرد مزبور، کوشیده‌اند تا واکاوی جدیدی از گفتمان اجتماعی نهج البلاغه ارائه دهند. با توجه به این مهم که توانش گفتمانی در مرکز ثقل توانش ارتباطی قرار دارد، پژوهشگران با در نظر داشتن این اصل سعی در کنکاش توانش‌های فرهنگی، اجتماعی، زبانی و راهبردی در سطح خطبه‌های نهج البلاغه هستند. ضرورت گزینش چنین رویکردی در چارچوب ماده پژوهش حاضر به این دلیل بوده که با نگاهی گذرا به خطبه‌های نهج البلاغه درمی‌یابیم کلام امیرالمؤمنین (ع) حول مسائل اجتماعی تدوین یافته است؛ و این مسئله در باب اصلاح جامعه، تبیین ارزش‌ها و نیز انذار و تقویت عقیده عامه مردم نمود یافته است.

همچنین پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤال‌های زیر به رشته تحریر درآمده است.

- بررسی هر یک از معادل‌های توانش ارتباطی دل‌هایمز در گفتمان اجتماعی نهج البلاغه چگونه می‌تواند بافت جامعه‌شناختی کلام امیرالمؤمنین (ع) را در گفتمان مزبور نمایان سازد؟
- به چه علت واکاوی بافت اجتماعی کلام امیر (ع) در چارچوب معادل‌های مزبور نقش زبان را در کاربست واقعی آن نشان می‌دهد؟

در ارتباط با فرضیه پژوهش باید گفت زبان نقش محوری در ارتباط‌های اجتماعی ایفا می‌کند. هر نوع گفتار و کلامی در ذات خود جریان اجتماعی را هدایت می‌کند که باید اذعان داشت این گفتارها و کلام‌ها در قالب گفتمان نقش می‌یابند. هر گفتمانی به تناسب موقعیت و فرهنگ و اجتماع خود به صورت متفاوت عمل می‌کند. همان‌گونه که هایمز از این تفاوت در توانش ارتباطی استفاده می‌کند. این مسئله با ویژگی‌های زبانی خود حکایت از این اصل دارد که توانش ارتباطی مبین کاربست یک صورت خاص زبانی و میزان احتمال وقوع آن در خطبه‌های نهج البلاغه است. از سوی دیگر نقش زبان به‌طور واضح در تبیین رویکرد اجتماعی گفتمان نهج البلاغه ملموس‌تر به نظر می‌آید.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در تبیین رویکرد توانش ارتباطی دل‌هایمز صورت پذیرفته است. از آن جمله می‌توان به مقاله «رویکرد جامعه‌شناختی گفتمان دینی حدیقه سنایی بر اساس نظریه توانش ارتباطی دل‌هایمز» از ناهید اکبری (۱۳۹۷) اشاره کرد. همچنین در این راستا حمیدرضا خانپور در دو کتاب «راهبردهای رشد و توسعه فردی» (۱۳۹۵) و «دانش و توانش ارتباطی» (۱۳۹۷) به توضیح توانش ارتباطی و مکمل‌های آن پرداخته است. از سوی دیگر می‌توان به جستار «اهمیت انتقال فرهنگ در کسب مهارت‌های زبانی» از محمدرضا دوستی زاده (۱۳۸۷) اشاره کرد که نویسنده به توانش فرهنگی از ابعاد توانش گفتمانی اشاره دارد. البته از این باب در چارچوب کاربست توانش‌های مزبور در نهج‌البلاغه پژوهش‌های دیگری صورت پذیرفته که می‌توان به جستار «بازشناسی سطوح گفتمانی در نهج‌البلاغه» از احمد قرایی (۱۳۹۷) اشاره کرد.

۳- پردازش تحلیلی موضوع

در بررسی توانش ارتباطی، واکاوی نقش زبان اهمیت می‌یابد. پژوهشگران در تأویل شاخصه‌های توانش ارتباطی به دو بُعد استدلال‌های ساختاری و آوایی توجه داشته‌اند. ابعاد مذکور با ویژگی‌های اصلی خود شاکله اصلی بحث را شکل می‌دهند که در ذیل به تبیین دقیق آن اشاره شده است. پژوهشگران برای تحلیل نقش زبان در ساختارهای گفتمانی به مقوله‌های ذیل توجه دارند.

۳-۱. استدلال‌های ساختاری: بررسی روند استدلال‌های ساختاری در فرایند گفتمانی

ویژگی‌های متن را آشکار می‌نماید. در اینجا پژوهشگران ویژگی‌های زبانی را مورد بازبینی قرار داده‌اند تا مفاهیم اصلی موردبحث را نشان دهند. بررسی مؤلفه‌های ساختاری در کلام امیرالمؤمنین (ع) بازتاب روشنی از فرهنگ خاص ایشان را نشان می‌دهد. این مسئله دربردارنده «سطوح مختلفی از معرفت امام علی (ع) در باب هستی و نیز پدیده‌های روان‌شناسی، تربیتی، اجتماعی و غیره است» (الطالقانی، ۲۰۱۶: ۸۷). پژوهشگران با در نظر داشتن سطوح مختلف مزبور به تحلیل هر یک از این مؤلفه‌ها می‌پردازند.

۱-۳-۱. کمیت‌ها و موقعیت‌های ارتباطی

در بحث از کمیت‌ها و موقعیت‌های ارتباطی^۵ توجه به این مسئله که رخداد گفتمانی ناشی از چه عوامل و چه موقعیت‌هایی است، اهمیت می‌یابد. در این بحث گوینده کلام با تولید جمله‌ای درصدد القای هدف گفتمانی و تأثیر مستقیم به مخاطب خود دارد. ویژگی مزبور شامل موقعیت‌های فیزیکی (زمانی-مکانی) و جنبه‌های روان‌شناختی است که در فرایند گفتمان اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در این مقوله آن‌گونه که مطرح گردید، بررسی کمیت‌های روان-شناختی، عاطفی، فیزیکی، زمانی و غیره اهمیت می‌یابد. لذا پژوهشگران در شواهد ذیل سعی در پردازش و واکاوی بافت حاضر می‌باشند.

﴿ أَسْهَرُوا عُيُونَكُمْ وَ أَضْمِرُوا بُطُونَكُمْ وَ اسْتَعْمِلُوا أَفْئَادَكُمْ وَ أَنْفِقُوا أَمْوَالَكُمْ وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ لَا تَبْخُلُوا بِهَا عَنْهَا ... فَبَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ حَيْرَانَ اللَّهِ فِي دَارِهِ. (خطبه/۱۸۳)﴾

در گفتمان حاضر آنچه ذهن پژوهشگران را به چالش می‌کشانند، کاربست افعال موجود در گفتمان و دلالت‌های امری و نهی در تحلیل بافت موقعیتی این گفتمان است. مخاطب کلام با درک مباحث صرفی و نحوی به مرحله‌ای از توانش زبان‌شناسی اجتماعی دست می‌یابد که نوع گفتار، مراد جمعی عاطفی را مطرح می‌سازد. این بحث نیز توانش ارتباطی در بافت کلام را مشخص می‌کند. به تعبیری کاربست دلالت‌های صرفی و نحوی در بافت کلام در خدمت دریافت هدف گفتمانی از سوی مخاطبان گفتمان است. در بافت زبانی خطبه مزبور امام همام «با ترغیب بر اعمال ارادی، هدف اصلی آن‌ها را آزمون الهی می‌شمارد» (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹). این هدف برحسب ارتباط گوینده با مخاطب تفسیر می‌شود؛ و گوینده گفتمان ضمن ایراد اهداف جمعی عاطفی، با کاربست افعال مزبور به بیان موقعیت‌های زمانی گفتمان مزبور می‌پردازد.

همچنین می‌توان چنین دلالتی را در فرازی از خطبه ۱۳۳ نهج البلاغه با مضمون «وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ يَكَادُ صَاحِبُهُ يَشْبَعُ مِنْهُ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ الْحِكْمَةِ» تطبیق داد. چنین بررسی از دلالت‌های امری و نهی نخست ارتباط عرفی و روانی بین معانی را بیان می‌دارد و

سپس تعیین کننده معنای بینافردی است که گوینده کلام از چنین دلالت‌هایی «به‌مثابه ابزاری برای ورود خودش به رویداد گفتاری بهره می‌جوید» (نیازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱).

با دقت در این موضوع می‌توان این‌گونه استنتاج نمود که «کاربست چنین دلالت‌هایی در بافت زبانی کلام، موقعیت‌های خاص زبانی را مشخص می‌سازد که درک این موقعیت‌ها مستلزم مهارت زبانی مخاطبان در دریافت هدف گفتمانی است» (حسن، ۲۰۱۱: ۴). طبق این اصل توانش ارتباطی حاکم در این دو خطبه ابزاری برای بیان توانش اجتماعی است که دقت در نوع گفتار و نوع رفتار، هدف جمعی گوینده کلام را مشخص می‌سازد.

۲-۱-۳. کلیدها و علائم بافتی

منظور از بحث کلیدها و علائم بافتی^۶ درواقع «رمزها و اشاراتی است که شرکت‌کنندگان در گفتمان به همدیگر منتقل می‌کنند تا بر اساس آن‌ها آنچه را روی می‌دهد تعبیر و تفسیر کنند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۱). این رمزها و اشارات در گام نخست می‌توانند آهنگ کلام را شامل شوند. آهنگ کلام در این بافت «سوی فضای روانی آشکار ازجمله عناصر ناراحتی و خوشحالی، عناصر عاطفی از قبیل شماتت و کنایه‌گویی، بذله‌گویی و جدی» قابل‌بررسی است (محمد مزید، ۲۰۱۰: ۲۳)، با در نظر گرفتن آهنگ کلام، توجه به اشعار و ضرب‌المثل‌ها نیز به‌عنوان نمودی از این ویژگی اهمیت می‌یابد. اهمیت بررسی اشعار و مثل‌ها به جهت روانی الفاظ و روشنی معنی است. در این مقوله پژوهشگران سعی داشته‌اند تا ابعادی از نمودهای آوایی و امثال را مورد ارزیابی قرار دهند. با در نظر گرفتن این اهمیت، پژوهشگران با ایراد شواهدی سعی در بررسی علائم بافتی جهت نیل به دریافت معنا هستند.

﴿ فَأَبَيْتُكُمْ عَلَىٰ إِبَاءِ الْمُخَالَفِينَ الْجُفَاءِ وَ الْمُنَابِذِينَ الْعُصَاةِ حَتَّىٰ ارْتَابَ النَّاصِخُ بِنُصْحِهِ وَ ضَنَّ الرَّئِدُ بِقُدْحِهِ. فَكُنْتُ أَنَا وَ إِيَّاكُمْ كَمَا قَالَ أَخُو هَوَازِنَ: أَمَرْتُكُمْ أَمْرِي بِمَنْعِجِ اللَّوَى، فَلَمْ تَسْتَبِينُوا النَّصْحَ إِلَّا ضَحَى الْعَدِ. (خطبه/۳۵)

امام علی (ع) پس از ماجرای حکمیت و شرایطی که برای حکومت پیش آمد، با بیان خطبه مزبور در مورد پیامدهای ناگوار حکمیت در جریان جنگ صفین، مردم کوفه را مورد عتاب و سرزنش قرار دادند و این‌گونه اذعان داشتند که این شکست محصول نافرمانی آن‌ها است. آنچه در این خطبه هدف گفتمانی کلام را به‌وضوح آشکار ساخته، بیان دلالت تمثیلی است. ابن میثم

بحرانی در شرح این دلالت تمثیلی این‌گونه بیان می‌دارد که «چون قصد حضرت از ادای عبارت این بوده که ثابت کند، کوفیان به دلیل مخالفتشان با نظر آن بزرگوار پشیمان خواهند شد و نشان دهد که این امر، نتیجه سرپیچی آنان از فرمان ایشان بوده، فرموده است: مَثَلُ مَنْ وَ شِمَا، مَثَلُ شَاعِرِ هَوَازْنِي است. شما را بر ردّ حکمیت دستور دادم، قبول نکردید...» (محمدی مقدم، ۱۳۷۵: ۱۸۸).

نکته مهم در واکاوی چنین دلالت تمثیلی نقش عامل گفتمانی در مدیریت رفتار است که در حالات چهره و کلام او آشکار می‌شود. واژگانی همچون «عتاب و سرزنش، نافرمانی و بالطبع پشیمانی» نمود واقعی از این حالت‌ها است. این مسئله به کارکرد توانش راهبردی در توانش ارتباطی اشاره می‌کند. در این باب مسئله‌ای که قابل توجه و تأمل برانگیز به نظر می‌رسد، واکاوی عناصر زبانی است که دو ویژگی مهم را نشان می‌دهد. «ویژگی اول در توالی ترکیب‌ها نهفته است که خصوصیت‌های شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی عاملان گفتار را بیان می‌دارد. ویژگی دوم ارائه معانی خاص گفتمانی است» (حسن، ۲۰۱۱: ۱۰) که پژوهشگران با بررسی دقیق، ترکیب مزبور را معادل عبارت «پند به نادان، باران است در شورستان» تعبیر می‌کنند. (اقبالیان، ۱۳۹۵: ۱۹۰). این تعبیر از دو ویژگی مزبور حاصل می‌شود که «انذار و عتاب امیرالمؤمنین نسبت به مسلمین» را در بردارد که همان هدف گفتمانی است.

﴿ فَافْتَحَرَ عَلَى آدَمَ بَخْلَقِهِ وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ؛ فَعَدُّوا اللَّهَ إِمَامًا الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُشْتَكِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصَبِيَّةِ وَ نَارَعَ اللَّهَ رِذَاءَ الْجَبَرِيَّةِ وَ ادَّرَعَ لِيَأْسَ التَّعَزُّزِ وَ خَلَعَ قِنَاعَ التَّدَلُّلِ. أَلَا تَرَوْنَ تَرَوْنَ كَيْفَ صَعَّرَهُ اللَّهُ بِتَكْبَرِهِ وَ وَضَعَهُ بِرَفْعِهِ، فَجَعَلَهُ فِي الدُّنْيَا مَذْخُورًا وَ أَعَدَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ سَعِيرًا. (خطبه/۱۹۲)﴾

هدف از بیان این خطبه اذعان خودبزرگ‌بینی ابلیس و مذمت آن و نیز بر حذر داشتن مردم از پیروی او است. امام همام با ایراد لفظ «أَلَا تَرَوْنَ تَرَوْنَ كَيْفَ صَعَّرَهُ اللَّهُ بِتَكْبَرِهِ...» ضمن بیان دلالت پرسشی، به القای هدف گفتمانی اهتمام ورزیده‌اند. کاربرد چنین لفظ پرسشی بر قدرت آوایی گفتمان در خطبه مزبور افزوده است.

کاربرد دلالت استفهامی در خطبه مزبور به مثابه شاهد مثال پیشین است که نقش اصلی را در نشان دادن احساسات و رفتار درونی مشارکان گفتمان دارد. گوینده کلام با به کار بستن چنین دلالت استفهامی سعی در تقبیح صفت تکبر داشته است. عباراتی همچون «صَعَّرَهُ اللَّهُ

بِتَكْبُرِهِ وَ وَضَعُهُ يَرْفَعُهُ» که نشان از «تحقیر ساختن به سبب تکبر ورزیدن و پست کردن به سبب بلندپروازی» دارد، دلالتی بر این گفتار است. به عبارت دیگر ما با بررسی دلالت بافتاری استفهامی با دو ساختار زبانی مثبت و منفی سروکار داریم که مخاطب با توجه به سیاق کلام با ایراد واژگان دلالتی «نعم و لا» دلالت مزبور را در کلام محقق می‌سازد. توجه به این نوع سیاق که ما را با مسئله اصلی ارتباط زبان و اجتماع آشنا می‌کند، «قطعاً ارتباط میان زبان و اجتماع عاملان کنش در بافت کلام را منطبق بر فرهنگ جامعه و عرف آن همراه و همگام می‌سازد» (الطائي، ۲۰۱۳: ۶۳).

بررسی این روند قباحات ساختاری ترکیب تکبر را در چارچوب دلالت پرسشی نمایان می‌سازد. به اعتقاد پژوهشگران با بیان واژگان دلالتی در ساختار بافت متن، آهنگ کلام مقصود دلالتی جمله را مشخص می‌کند. به تعبیر بهتر کاربست این واژگان دلالتی هرچند در یک سطح زبانی یکسان، زمینه‌ساز دو خوانش متضاد در بافت درونی گفتار است. این امر نوای گفتاری متفاوتی را در گفتمان مزبور ایجاد می‌سازد.

۳-۱-۳. هنجارها و تعاملات اجتماعی

مقوله هنجارها و تعاملات اجتماعی^۶ «دلالتی بر قواعد زبانی و شناخت‌های اجتماعی و قواعد حاکم بر رفتارهای گفتاری کلام دارد که واکاوی نوع گفتار و اهداف آن در این مشخصه نمود می‌یابد» (همان: ۲۳). زبان‌شناس می‌تواند آن را از طریق مشاهدات و تعاملات زبانی میان شرکت‌کنندگان درک نماید. این هنجارها تابع مهارت‌های کلامی، نحوه بیان درخواست و انگیزش‌های میان مشارکان در رفتارهای گفتاری هستند. این مهارت‌ها و انگیزه‌ها در گفتار به عوامل گوناگونی بستگی دارند که رفتار اجتماعی عاملان گفتمان در آن تعریف می‌شود.

تأکید اصلی پژوهشگران در بررسی این مقوله به جهت نقش بسیار مهم هنجارها در زندگی انسان‌ها است. اهمیت این بررسی در نهج‌البلاغه دوچندان است؛ زیرا «از دیدگاه نهج‌البلاغه علاوه بر لزوم پیروی و اجرای احکام و قوانین الهی در جامعه، پیروی از آداب و رسوم و عادات صحیح اجتماعی، نیز برای حفظ ارکان جامعه و پیشبرد اهداف آن ضروری است» (صمدانیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۵). لذا پژوهشگران به بررسی هنجارهای اجتماعی در این اثر پرداخته‌اند.

﴿ فَهُمْ بَيْنَ شَرِيدٍ نَادٍ وَ خَائِفٍ مَقْمُوعٍ وَ سَاكِتٍ مَكْغُومٍ وَ دَاعٍ مُخْلِصٍ وَ تَكْلَانٍ مُوجِعٍ، قَدْ أَحْمَلْتَهُمُ التَّقِيَّةَ وَ شَمَلْتَهُمُ الدَّلَّةَ، فَهُمْ فِي بَحْرِ أَجَاجٍ أَفْوَاهُهُمْ ضَامِرَةٌ. ﴾ (خطبه/۳۲)

این خطبه حاوی مباحث مهمی است که اشاره به وضعیت اجتماعی و شیوه‌های تعاملات زمان امیرالمؤمنین (ع) است. امام (ع) با ایراد هنجارهای اجتماعی زمان مزبور، نوع رفتار مردمان را در برابر همنوعان خود و استعداد آن‌ها را در درک هنجارهای اجتماعی مطرح می‌سازد. با واکاوی بیشتر مطلب می‌توان دریافت که تأثیر این رفتارها و تعاملات به نفوذ اجتماعی میان مشارکان کلام بستگی دارد. نفوذ اجتماعی از نمودهای حقیقی تعاملات اجتماعی است. در این بررسی ما به تأثیر رفتارهای مشارکان کلام «گوینده و شنونده» می‌پردازیم.

نوع رفتار در درک مباحث اجتماعی نشان از کاربست توانش زبان‌شناسی اجتماعی در توانش ارتباطی دارد. این مسئله «دست‌یابی گویشور به مهارت زبانی از جنبه شفاهی» را تقویت می‌بخشد (حسین‌الحاق، ۲۰۱۷: ۵۳). از مسائلی که حکایت از این اصل دارد، تقیه است. این مفهوم در گفتار «قَدْ أَحْمَلْتَهُمُ التَّقِيَّةَ» آشکار است. تقیه از مفاهیم دینی است که تا حد زیادی بانفوذ اجتماعی همرنگی دارد. این همرنگی در نتیجه فشار روحی و جسمی مشارکان گفتمان صورت می‌پذیرد. درواقع تقیه طبق تفسیر مزبور «اظهار توافقی با مخالفان از روی ترس است در چیزهایی که آنان بدان معتقدند» (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۷). این موضوع از الگوها و انگیزش‌های اجتماعی نشأت می‌گیرد که جامعه گفتار از طریق این انگیزه‌ها افراد جامعه «مشارکان گفتمان» را به پیروی کردن و وفادار ماندن هنجارها رهنمون می‌سازد.

﴿ يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ وَ يَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْعَافِلِينَ وَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَ يَأْمُرُونَ بِهِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ؛ فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ. ﴾ (خطبه/۲۲۲)

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه حاضر با اشاره به خصوصیت‌های رفتاری و اجتماعی مردمان زمان خویش، آن‌ها را به انداز اعمال خویش دعوت می‌کند که مردمان خود بر اعمالشان ناظر و داور باشند. این مسئله توجه به بررسی تعاملات اجتماعی و هنجارهای گفتاری را دوچندان می‌کند. نقش مؤثر هنجارهای اجتماعی از گفتار «يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَ يَأْمُرُونَ بِهِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ» به‌روشنی قابل‌درک است. در بررسی گفتار مزبور باید گفت که این چند جمله اشاره به سلسله انگیزش‌هایی دارد؛ یعنی جامعه گفتمانی در گفتار مزبور «یک سلسله انگیزه‌هایی برای پیروی کردن و وفادار ماندن افراد جامعه به این هنجارها ایجاد می‌کند» (آقاگل-

زاده، ۱۳۹۴: ۴۲). این سلسله انگیزه‌ها به صورت‌های گوناگون اطاعت و فرمان‌برداری از دستورهای الهی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، شناخت شأن و جایگاه این رفتار به عنوان وظیفه الهی را اشاره می‌کند.

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین دستورات و فرائض دینی به حساب می‌آید. این عمل در تعاملات اجتماعی منجر به نظارت عمومی می‌شود. نظارت عمومی حاصل از امر به معروف و نهی از منکر موجب می‌شود که «ارزش‌های اخلاقی و دینی به صورت هنجارهای اجتماعی مستحکم ادامه یابد» (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۹). به اعتقاد پژوهشگران این نوع رفتار اجتماعی در بافت زبانی کلام منجر به درک حقیقی هدف گفتگمانی می‌شود.

۲-۳. استدلال‌های آوایی

در بحث از استدلال‌های آوایی پژوهشگر به معنای اجتماعی ساختار زبانی متن توجه دارد. اهمیت این بررسی به جهت دخیل بودن معنای اجتماعی در ارزیابی زبانی است. توجه به این مسئله اصل نابرابری در زبان^۸ را مطرح می‌سازد که مفهوم نسبیّت زبانی^۹ نمودی از آن است. اهمیت اصل مزبور در گام نخست به جهت کیفیت تأثیر زبان بر اندیشه اجتماعی و در گام بعدی خواستگاه زبانی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. این بحث به نوبه تحت تأثیر نسبیّت زبانی است. هایمز این مسئله را در سطوح دستوری و واژگانی مورد بررسی قرار می‌دهد. در بحث از استدلال‌های آوایی هدف پژوهشگران بررسی نقش‌های اجتماعی است. در این بحث آنچه اهمیت می‌یابد اثر زبان بر اندیشه است که در آن توانش تجزیه و تحلیل زبان در خدمت توانش ارتباطی معنا می‌یابد.

۱-۲-۳. سطوح دستوری (بررسی روابط تقابلی و بازدارنده)

در این مقوله توجه اصلی هایمز به جنبه‌های دستوری زبان است. سطوح دستوری به جهت کاربردی بودن در ساختار زبانی اهمیت دارند. اهمیت چنین تحلیلی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم «هر زبانی در خود به واسطه ساختاری که دارد، تحلیلی از جهان خارج را در خود دارد که ویژه خود اوست و با تحلیل موجود در سایر زبان‌ها متفاوت است» (نظری، ۱۳۹۶: ۱۰۳). هایمز در این سطح به بررسی روابط تقابلی و بازدارنده زبان^{۱۰} می‌پردازد که واکاوی دلالت‌های

امری و شرطی در آن نمود می‌یابد. واکاوی سطوح دستوری آن گونه که مطرح است نقش زبان را در گفتارها ملموس‌تر می‌نماید.

در این مقوله پژوهشگران با مطالعه دقیق دلالت‌های امری و شرطی به چنین روابطی دست می‌یابند. مشارکان کنش در این فرایند با ایجاد اثر متقابل و گهگاه در سری ارتباطات اجتماعی به‌توالی کنش‌ها می‌پردازند. با در نظر گرفتن این اصل پژوهشگران با ایراد شواهد ذیل سعی در واکاوی این اهمیت در فرایند گفتمان اجتماعی هستند.

﴿ وَ اللَّهُ لَئِنْ أَتَيْتُهَا مَا وَجَبَتْ عَلَيَّ فَرِيضَتُهَا وَ لَا حَمْلَنِي اللَّهُ ذَنْبَهَا، وَ وَ اللَّهُ إِنْ جِئْتُهَا إِنِّي لِلْمُحِقِّ الَّذِي يُتَّبِعُ وَ إِنَّ الْكِتَابَ لَمَعِي مَا فَارَقْتُهُ مُذْ صَحَبْتُهُ. ﴾ (خطبه/۱۲۲)

اهمیت واکاوی خطبه به جهت ارتباط اجتماعی امام علی (ع) با خوارج است. این خطبه، بخشی از سخنان آن حضرت (ع) قبل از جنگ نهروان را بازگو می‌نماید. امام علی (ع) خطبه مزبور را به‌عنوان اتمام حجت برای خوارج ایراد فرمود. این فرمایشات بسیار مؤثر است. به‌گونه‌ای که اکثریت قاطع خوارج توبه کردند و از جنگ کناره‌گیری نمودند. بررسی این مسئله را می‌توان در کاربری اقناع شرطی در دو گفتار حاضر مورد واکاوی قرار داد. تجزیه و تحلیل کاربری شرطی ارتباط میان مشارکان را نشان می‌دهند. در ترکیب شرطی نخست امام (ع) در رویارویی با خوارج این‌گونه اذعان می‌دارند که اگر به حکمیت تن ندهند مسئول پیامدهای آن نخواهند بود و نیز مسئولیتی متوجه ایشان نخواهد بود. از سوی دیگر در ترکیب شرطی دوم معتقدند که اگر به این حکمیت تن دهند پیروی از ایشان صورت خواهد پذیرفت. چراکه قرآن به‌عنوان اصل با ایشان است.

با بررسی دقیق‌تر این ترکیب‌ها می‌توان نتیجه گرفت که کنش شرطی دوم در ادامه کنش شرطی نخست بیان شده است. توالی این کنش‌ها ضمن نشان دادن ارتباط اجتماعی میان عاملان کنش در گفتار، تأثیر ارتباطی میان مشارکان کلام را نمایان می‌سازد. به‌طور کلی کاربری دلالت‌های شرطی در گفتار به‌عنوان جنبه‌ای از تحلیل معنایی، می‌تواند ضمن آشکار ساختن توالی ارتباطها، در واکاوی ارزش‌های اساسی در روابط اجتماعی نقش داشته باشد. این مسئله نشان از مهارت تجزیه و تحلیل زبان از سوی عامل گفتمانی در توانش ارتباطی دارد.

﴿ فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ، وَ لِيُحْسِنَ مِنْهُ الصِّيَافَةَ ... إِنْ قُوْرًا يَهْدِيهِ الْخِصَالِ شَرَفُ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَ دَرَكُ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ. ﴾ (خطبه/۱۴۲)

این خطبه در گام نخست اشاره‌ای به نتایج سوء کمک به ناهلان دارد. در بررسی دیگر امام علی (ع) اشاره‌ای به یافتن و کشف مواردی از خیر و نیکوکاری که موجب عزت و شرف در دنیا و آخرت آدمی می‌شود، داشته است. از سیاق این خطبه چنین برمی‌آید که آن حضرت (ع) با کاربست دلالت پی‌درپی شرطی در ضمن دلالت‌های امری با «لام امر» سعی در آگاه‌سازی مخاطبان خود داشته است. در این باب ایشان کسانی که عزت و احسان را برای به دست آوردن شکر و سپاسگزاری مردم ناهل انجام می‌دهند، مورد عتاب قرار داده‌اند. در این خطبه امیرالمؤمنین (ع) با چنین دلالت‌هایی مضامین تربیت اخلاقی اجتماعی ازجمله «انفاق، بذل و اعطاء» را بیان می‌دارد.

مضامین تربیتی در تعبیر عبارت «فَوْزًا» است که «اثر اندیشه بر زبان در آن نمایان می‌گردد» (الطائي، ۲۰۱۳: ۷۹-۸۰). این اثر ضمن نشان دادن توانش ارتباطی میان عاملان گفتمان (مقدمه و جواب ساختارهای شرطی)، هدف گفتمانی را به مخاطب منتقل می‌سازد؛ که در ساختار شرطی «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا» و دلالت‌های امری «فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ» به‌عنوان جواب ساختار شرطی و عبارت‌های ثانوی نمایان می‌شود. به اعتقاد پژوهشگران تناسب لفظی میان دلالت شرطی و دلالت‌های امری در ساختار زبانی خطبه مزبور منجر به تناسب اجتماعی در محتوا و مضمون شده است.

۲-۲-۳. سطوح واژگانی (پدیده‌های طبیعی)

در بحث از سطوح واژگانی تأکید اصلی بر اصطلاحات خویشاوندی است. بررسی واژگان یک‌زبان به‌روشنی فضای اجتماعی و جغرافیایی یک قوم را نمایان می‌سازد. درواقع واکاوی این سطح در ساختار زبانی «سیاهه پیچیده‌ای از اندیشه‌ها، تصورات، علایق و مشاغلی است که توجه آن قوم را به خود جلب کرده‌اند» (معینان، ۱۳۹۲: ۸۸). از بارزترین نمونه‌هایی که می‌توان در سطوح واژگانی موردبررسی قرار داد، واکاوی پدیده‌های طبیعی و قراردادهای اجتماعی است. در بررسی این دو مقوله آنچه اهمیت می‌یابد، نوع تصویرپردازی‌هایی است که امام علی (ع) در فضای اجتماعی و جغرافیایی نهج‌البلاغه به‌روشنی نمایان می‌سازد.

پدیده‌های طبیعی به‌عنوان مقوله‌های واژگانی استدلال‌های آوایی شناخته می‌شوند. در بررسی پدیده‌های طبیعی هدف اصلی نحوه کاربست عناصر فرهنگی و درک توانش فرهنگی از سوی

مخاطبان است. پژوهشگران با کنار گذاشتن عناصر خاص زبانی کوشیده‌اند تا عناصر مشترکی را مطرح سازند که برای مشارکان کلام قابل فهم باشد. این امر در نهج البلاغه در باب عناصری قابل ارزیابی است که پدیده‌های مشترکی را شامل شوند. در این باب می‌توان به نمونه‌هایی در ذیل اشاره کرد:

﴿لَمْ يَنْمِ وَمِصْرُهُ فِي كَنْهَوْرِ رَبَّاهِ وَ مُتْرَاكِمْ سَحَابِهِ أَرْسَلَهُ سَحَابًا مُتْدَارِكًا قَدْ أَسْفَّ هَيْدَبُهُ تَمْرِیْهِ الْجُنُوبُ دَرَرَ أَهَاضِیْبِهِ وَ دَفَعَ شَأْبِیْبِهِ. فَلَمَّا أَلْقَتِ السَّحَابُ بَرَكَ بَوَانِیْهَا.﴾ (خطبه/۹۱)

در خطبه مزبور آنچه در تأیید نسبت زبانی قابل توجه است، وجود واژگان متعدد برای گونه‌های مختلف یک حوزه معنایی است. امیرالمؤمنین (ع) با کار بست عناصر مشترک از یک حوزه معنایی، سعی نموده این عناصر از پدیده‌های طبیعی را به عنوان حقیقت اصلی عناصر فرهنگی خاص جلوه دهد. در این خطبه ایشان با بیان عبارات‌های «قَدْ أَسْفَّ هَيْدَبُهُ تَمْرِیْهِ الْجُنُوبُ دَرَرَ أَهَاضِیْبِهِ وَ دَفَعَ شَأْبِیْبِهِ» و «فَلَمَّا أَلْقَتِ السَّحَابُ بَرَكَ بَوَانِیْهَا» به وصف طبیعت در گفتمان اجتماعی نهج البلاغه می‌پردازد که همواره اشاره به خلقت آغازین زمین دارد. هدف از ایراد چنین ترکیبی بیان اهمیت نقش عنصر فرهنگی «سحاب» دارد.

در این تعبيرات نقش عنصر فرهنگی «باد و باران» از لفظ «الدَّرَرُ و الْأَهَاضِیْب» آشکار می‌شود. این لفظ که معنای پوشش ابرها در آسمان را می‌رساند، لفظی استعاره‌ای است که در هم‌نشینی با لفظ «بَرَكَ بَوَانِیْهَا» مفهوم ریزش باران را منتقل می‌سازد. عبارت «بَرَكَ بَوَانِیْهَا» در اصطلاح به مفهوم «سینه شتر» است که امام علی (ع) آن را استعاره‌ای برای ابرها معرفی نموده است؛ که شتر بواسطه بار سنگین، سینه بر زمین می‌ساید. این تعبیر از باب تشبیه کردن به پوشش ابرها است که منجر به ریزش باران می‌شود.

این عبارت‌ها در خارج از بافت زبانی گفتمان، مفهومی ناشناس و نامرتبط خواهند داشت و هدف گفتمانی موردنظر را منتقل نخواهند ساخت. این امر نشان می‌دهد که «داشتن حداقلی از زمینه‌های مشترک برای درک متقابل ضروری است» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۵). برای درک این زمینه‌ها باید به فرهنگ متقابل نیز توجه نمود. فرهنگ، فرایند ارتباطی را شکل می‌دهد و آن را تقویت می‌کند. پژوهشگران با بررسی هر یک از الفاظ به این مهم دست‌یافته‌اند که مدنظر قرار دادن زمینه‌های مشترک فرهنگی و کار بست صحیح آن در بافت زبانی منجر به دریافت حقیقی هدف گفتمانی می‌شود.

﴿ كَفَىٰ بِإِتْقَانِ الصُّنْعِ هَآ آيَةً وَ بِمَزَكِّ الطَّبْعِ عَلَيْهَا دَلَالَةً وَ بِخُدُوثِ الْفَطْرِ عَلَيْهَا قِدَمَةً وَ بِإِحْكَامِ الصُّنْعَةِ هَآ عِبْرَةً. ﴾ (خطبه/٩١)

از بیانات امیرالمؤمنین (ع) در خطبه مزبور چنین برمی آید که یکی از راه‌های شناخت خدا تأمل در آثار صنّع و حکمت خدا است. این تأمل و اندیشه منتهی به این نتیجه می‌شود که جهان طبیعت پدیده‌ای منظم است. در اینجا ترکیب «کفی بأتقان» حکایت از برهان نظم دارد که دلالتی بر نسبیّت زبانی دارد. مخاطب با تفکر در مفهوم این عبارت که تعبیر «اتقان صنع» دارد معنای حقیقی این گفتمان را درک می‌کند. این مسئله خود مستلزم توانایی خواننده در ارتباط عبارت با فرهنگ زبانی خود است.

در اینجا پژوهشگران با مسئله مهمی روبرو هستند و آن ملاک تفاوت میان فرهنگی است. این تفاوت فرهنگی خود مبین معنای گفتمانی است. چراکه «عبور از مرزهای فرهنگی و بی‌توجهی به تفاوت‌های فرهنگی و تغییر فرهنگی، ممکن است به معنای گذر از چارچوب‌های ایدئولوژیکی و ارزشی باشد» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۷: ۹). پژوهشگران بر این باورند که بررسی این تفاوت‌های فرهنگی و درک صحیح آن در راستای ارتباط زبانی هدف گفتمانی را آشکار می‌سازد.

۳-۲-۳. قراردادهای اجتماعی (زبان قانون و معاهده)

بحث حاضر به جهت تأثیر قرار دادن توانش فرهنگی گفتمان اجتماعی مهم به نظر می‌رسد. در این مقوله آنچه گفتمان اجتماعی نهج البلاغه را برجسته می‌سازد، توجه امیرالمؤمنین (ع) به «زبان قوانین و قواعد سیاسی و دیپلماسی با تأثیر از شرایط جامعه در زمان جنگ و صلح و اتفاقات پیرامون آن» است (الطائی، ۲۰۱۱: ۱۲۶). بر این اساس پژوهشگران به ذکر شواهدی در ذیل می‌پردازند که این مسئله در بافت متنی آن حاکم باشد. مقصود اصلی در این بحث دست‌یابی به هدف گفتمانی در ساختار اجتماعی متن است.

﴿ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالْقَرَانَةِ الْقَرِيبَةِ وَ الْمَنْزِلَةِ الْخَصِيصَةِ، وَضَعَنِي فِي حَجَرِهِ وَ أَنَا وَلَدٌ يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ مَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ وَ لَا حَطْلَةً فِي فِعْلٍ، وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرُ أُمِّهِ، يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَ يَأْمُرُنِي بِالْإِفْتِدَاءِ بِهِ. ﴾ (خطبه/۱۹۲)

از مفاهیم اساسی در قراردادهای اجتماعی، سیاست امام علی (ع) در بازسازی جامعه اسلامی است. آن حضرت سه رکن اساسی را در تنظیم سیاست‌های جامعه بیان می‌دارد. رکن نخست از بافت ترکیب آغازین آشکار می‌شود. در این ترکیب امام (ع) گام آغازین را پیروی معنوی و حسی از پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌نماید. به اعتقاد ایشان سیاست فرماندهی جامعه اسلامی توسط پیامبر (ص) باید سرلوحه بازسازی جامعه اسلامی باشد.

در رکن دوم، امیرالمؤمنین (ع) اصول و راه روش زندگی اجتماعی را مطرح می‌سازد. این مسئله در بافت عبارت «وَمَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ وَلَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ» نمایان است. ایشان لازمه این اصول را باورها و عقایدی می‌داند. جوهره عناصر مزبور «تقوی» است. این تعبیر از بافت کلام ترکیب حاضر حاصل می‌شود. درواقع آن حضرت با در نظر داشتن چنین هدفی «از یک طرف عبادت و از سویی دیگر تعامل اجتماعی را به یک اندازه مطرح می‌سازد» (الطائی، ۲۰۱۱: ۱۲۲).

اما رکن سوم دانش و شناخت است. تعبیر «يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْإِفْتِدَاءِ بِهِ» هدف گفتمانی را نشان می‌دهد. درواقع در سیاق چنین تعبیری، مراد حضرت امیر (ع) «قرآن و سنت» است. به اعتقاد ایشان قرآن و سنت به منزله قواعد اساسی در علم و معرفت است. پژوهشگران با در نظر داشتن این سه قاعده معتقدند که حضرت امیر (ع) با بیان عناصر زبانی مزبور ضمن تعامل و ارتباط اجتماعی، سعی در برقراری عدالت اجتماعی در بازسازی جامعه اسلامی داشته‌اند. این مسئله در بافت زبانی خطبه مزبور نمود می‌یابد.

﴿ أَتَقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ، وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ، وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ. (خطبه/۱۶۷) ﴾

حضرت امیرالمؤمنین (ع) با بیان خطبه مزبور بر تعاون و مشارکت اجتماعی در انجام کارهای نیک «إِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ» و پرهیز از بدی‌ها «إِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ» ترغیب می‌نماید. این همان اصل همیاری را در قراردادهای اجتماعی مطرح می‌سازد. مشارکت اجتماعی حاضر ضمن این‌که ارتباط اجتماعی را میان مشارکان گفتمان تقویت می‌بخشد، در معنای وسیع‌تر بر رشد حیات فکری و توانش فرهنگی مخاطب گفتمان تأثیر می‌گذارد.

درواقع سفارش حضرت (ع) بر انجام عمل نیک به صورت جمعی فرهنگ مخاطب خود را غنی می‌سازد. این عمل هنجارهای مثبت و ارزش‌های معمول را در زندگی مخاطب تعیین

می‌کند. با در نظر داشتن این مسئله می‌توان گفت که توانش فرهنگی در راستای توانش ارتباطی قرار گرفته است. البته پژوهشگران کاربست چنین آموزه‌ای را در امور جامعه مهم و ضروری می‌دانند.

٤- نتیجه گیری

پژوهشگران با بررسی هر یک از شواهد به روند مؤثر الگوهای توانش ارتباطی در گفتمان اجتماعی نهج البلاغه توجه داشته و به این مهم دست یافته‌اند که:

١- در بررسی مفهوم توانش ارتباطی آنچه این خصوصیت را در تعاریف پراکنده قابل توجه و متمایز می‌گرداند ویژگی همگرایی و همگونی مضمون و محتوای گفتار و هدف در بافت زبانی است. این مسئله در انتقال دانش از یک عامل گفتمانی به مخاطب با هدف تفاهم آشکار می‌شود. توانش ارتباطی یک‌روند مداوم بیان و تبادل اندیشه‌ها است که شامل نشانه‌ها، موقعیت‌ها و نمادها می‌شود و برای درک آن باید به زمینه‌های کلی توانش ارتباطی توجه داشت.

٢- توانش ارتباطی ترکیبی از عوامل اجتماعی است که در زمینه‌های دستوری، جامعه‌شناختی، راهبردی و فرهنگی قابل بحث است. در این مقوله نقش زبان به عنوان عامل ارتباط‌گیری و پذیرش عناصر اجتماعی کلیدی است. تسلط بر زبان می‌تواند به درک موقعیت‌های اجتماعی، رفتاری و فرهنگی منجر شود. این عامل نقش بسزایی در برقراری ارتباط دارد. مخاطب می‌تواند با تقویت مهارت زبانی خود در راستای زمینه‌های مزبور نقش مشارکتی در فرایند گفتمانی داشته باشد و هدف گفتمانی را درک نماید.

٣- شخصیت امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه چندین الگوی رفتاری و فرهنگی متفاوتی را دربر می‌گیرد که متناسب با شرایط اجتماعی جامعه ایشان است. این تنوع و تفاوت در کارکردهای زبانی ایشان ظاهر می‌شود که ایشان در موقعیت‌های مختلف کلامی به کار می‌برند. مخاطب می‌تواند با مدنظر قرار دادن این شرایط اجتماعی و همگون ساختن آن با ساختارهای اجتماعی خود ارتباط زبانی مناسبی را با بافت گفتمانی برقرار سازد. این مسئله در عبارت «يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ» نمود می‌یابد. امام (ع) در فحوای متن مخاطبان را به

«امربه معروف و نهی از منکر» دعوت می‌نماید. پذیرش و مهارت فهم آن توسط مخاطب مبتنی بر برقراری ارتباط زبانی مناسب و همگرایی آن با محیط اجتماعی مخاطب است.

۴- با در نظر داشتن توضیحات مزبور به‌طور کلی می‌توان گفت که بررسی زبان جدا از فرهنگ، اجتماع و قواعد زبانی امکان‌پذیر نیست. این مسئله در نهج البلاغه نیز صادق است. لذا عدم توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی نهج البلاغه دست‌یابی به توانش‌های ارتباطی را ممکن نمی‌سازد.

۵- پی‌نوشت‌ها

- 1- Dell H. Hymes 2- Sociology of Language 3- Celce-Murcia
4- M. Canale & M. Swain 5- Quantifiers 6- Keys 7- Social norms
8- Actual Inequality 9- Relativity 10- Reciprocal vs. Reflexive Relationships

منابع

- کتاب‌های عربی

- حسن، حمدي إبراهيم (۲۰۱۱م)، «رؤية حول مفهوم تواصل اللغوي»، مجلة كلية اللغات و الترجمة، العدد الأول، صص ۲۱-۱.
- الحلاق، إيمان محمد سعيد حسين (۲۰۱۷م)، المنهج التواصلی فی تعلیم اللغات: اللغة العربية أمودجاً، قطر: جامعة قطر.
- طالقانی، ضیاء طعمة عبدالحسين (۲۰۱۶م)، أثر كلام الإمام علي (ع) في النثر العربي حتى نهاية القرن الثاني للهجرة: (الحسن البصري و ابن المقفع أمودجاً)، كربلاء: مؤسسه علوم نهج البلاغه.
- الطائي، نعمة دهش فرحان (۲۰۱۳م)، سوسيولسانيات نهج البلاغه، بغداد: دار المرتضى.
- مزيد، بهاء الدين محمد (۲۰۱۰م)، تبسيط التداولية، القاهرة: شمس للنشر و التوزيع.

- کتاب‌های فارسی

- آذربایجانی، مسعود و محمد صادق شجاعی (۱۳۹۸ش)، روان‌شناسی در نهج البلاغه؛ چاپ دهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴ش)، تحلیل گفتمان انتقادی؛ چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

اقبالیان، مریم (۱۳۹۵ش)، مثل و تمثیل پژوهشی در حکمت امثال نهج البلاغه و سیر موضوعی آن، تهران: بنیاد نهج البلاغه.

رحیم العزازی، نعمه (۱۳۹۴ش)، روش‌شناسی پژوهش‌های زبان‌شناختی (با تکیه بر زبان عربی)، ترجمه جواد اصغری، چاپ دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

الرضی، السید محمدبن‌حسین (۱۳۷۵ش)، شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

نیازی، شهریار و زینب قاسمی‌اصل (۱۳۹۷ش)، تحلیل زبان‌شناختی متون عربی (با تکیه بر دستور نقش‌گرای هلیدی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– پایان‌نامه عربی

الطائی، نعمة دهش فرحان (۲۰۱۱م)، نهج البلاغه في ضوء علم اللغة الاجتماعي؛ أطروحة لنيل درجة دكتوراه فلسفة في اللغة العربية و آدابها، جامعة بغداد.

– مقالات فارسی

صمدانیان، محسن و فردوس میریان (۱۳۸۸ش)، «هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۲/۳، صص ۱۵۸-۱۲۷.

معینیان، نرمینه (۱۳۹۲ش)، «تحلیل نظریه نسبیت زبانی در پرتو شواهد جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، صص ۹۲-۷۳.

نظری، علیرضا (۱۳۹۶ش)، «تحلیل مقوله‌های نسبیت زبانی در عربی نسبت به فارسی و تأثیر آن بر ترجمه»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال هفتم، شماره هفدهم، صص ۱۲۴-۹۹.

یوسف‌زاده اربط، حسن (۱۳۹۵ش)، «بررسی نقش فرهنگ و زبان در ارتباط میان فرهنگی»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۸، صص ۱۰۴-۸۳.

(۱۳۹۷ش)، «مسئله‌شناسی ارتباطات میان‌فرهنگی»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره سی‌وششم، صص ۲۴-۵.

– منابع لاتین

Chastain, K. (1988), **Developing second language skills: Theory and Practice**, (3rd ed.), Florida: Harcourt Brace Jovanovich Publishers.

تحليل أنماط الكفاءة التواصلية في الخطاب الاجتماعي لنهج البلاغة من منظور ديل هايمز (خطب نهج البلاغة أنموذجاً)

نوع المقالة: أصيلة

على صياداني*، يزدان حيدرپور مرند^٢

١. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان، تبريز، ايران.

٢. الماجستير في قسم الترجمة للغة العربية، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان، تبريز، ايران.

الملخص

من الموضوعات الحديثة في تحليل الخطاب هو نمط ديل هايمز الاجتماعي الذي ينبعث من الكفاءة التواصلية. تشير المقالة هذه في الخطوة الأولى إلى علاقة الكفاءة اللغوية و الكفاءة التواصلية حيث تلعب اللغة دورها الحقيقي؛ و في الخطوة الثانية تشير إلى سياق خارج النص أو الموقف الذي يؤثر الفعل فيه. هذا الأمر مظهر حقيقي للشكل اللغوي الخاص مع السياق الاجتماعي السائد في الكلام و يتم تحديد نسبته واحتمال حدوثه في الظروف الحالية. من وجهة نظر هايمز لا تنحصر الأحداث اللغوية على الأشكال النحوية للغة فحسب. بل هذا الحدث يجد معناه في شكل التفاعلات الاجتماعية و في إطار الاتفاقيات الاجتماعية و الثقافية؛ و يحدد الهياكل الوصفية للكفاءة التواصلية. من إحدى السمات الرئيسية لهذا الموضوع يمكن الإشارة إلى البراهين البنيوية و الصوتية. فتسعى الدراسة الحالية إلى تكييف خصائص هذا المنهج مع الخطاب الاجتماعي في خطب نهج البلاغة مستخدماً المنهج الوصفي - التحليلي؛ و أظهرت النتائج أنّ هذه العوامل تظهر النوع و الفحوى للكلام في سياق خارج النص لنهج البلاغة التي لها اثر في عملية التعرف على تفاعلات الاتصال القائمة.

الكلمات الرئيسية: الخطاب الاجتماعي، الأنماط الكفاءة التواصلية، ديل هايمز، خطب نهج البلاغة.

Exploring Communicative Competence Models of Dell Hymes in Social Discourse of Nahj al-Balagha (Case Study: Sermons of Nahj al-Balagha)

Article Type: Research

Ali Sayadani^{*1}, Yazdan Heydarpour Marand²

1. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

2. MA Graduated of Arabic Language Translation, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

Abstract

Amongst the new issues discussed in discourse analysis is Dell Hymes' sociological approach of communicative competence. The study at first deals with the relation between linguistic competence and communicative competence. Then it explains the paralinguistic context or the situation in which actors act within. This a real representative of the relation between specific linguistic form and dominant social context of speech and shows the frequency and the possibility of occurrence in the existent condition. To Hymes, linguistic events are not just grammatical forms but they have meaning in social interactions and within social and cultural regulations and contractions; they make the communication possible. Of the main characteristics are structural and phonetic arguments that in each, spatial-temporal contexts, the kind of speech and language element determine the main part of the argument. The study using a descriptive-analytical method, sought to compare and contrast the characteristics of the approach to the social discourse of sermons of Nahj al-Balagha. The study showed that linguistic factors show the type and content of the dominant speech of the paralinguistic context of Nahj al-Balagha and are effective in distinguishing the existent commutative interactions.

Keywords: Social Discourse, Communicative Competence Models, Dell Hymes, Sermons of Nahj al-Balagha.

^{*}Corresponding Author

a.sayadani@azaruniv.ac.ir